

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



فهرست مطالب

- ادبیات امنیت انرژی روسیه و راهبردهای آینده
شهاب‌الدین شکری/ مهدی سنایی ۳
- همگرایی اتحادیه اقتصادی اوراسیا: روندها و پویائی‌ها (۲۰۲۲-۲۰۱۵)
سمیه مختاری/ سید محمدکاظم سجادیپور ۳۵
- دیرینه‌شناسی رویکرد چین به خلیج فارس: از سفرهای چنگ‌ها تا شی جین‌پینگ
ابراهیم آقامحمدی/ مرضیه فتاحی ۶۷
- ایران و بریکس: مهاریک‌جانبه‌گرایی در عصر‌گذار
کامران لطفی ۹۵
- جنگ دوم قره‌باغ و ساختار قدرت در قفقاز جنوبی
احمد رسولی/ دکتر علیرضا سلطانی ۱۲۵
- دیپلماسی انرژی ترکیه: راهبرد توسعه حزب عدالت و توسعه
صیاد صدری علی‌بابالو ۱۵۳
- ایران و اتحادیه اقتصادی اوراسیا: فرصت‌های مقابله با تحریم‌ها
محمدصادق غلامی/ بهاره سازمند ۱۷۷
- قدرت هوشمند روسیه و مناقشه رژیم صهیونیستی و فلسطین (۲۰۲۴-۲۰۱۲)
علی اکبرپور آلمه جوقی ۲۰۱
- نظم امنیتی اوراسیا: از ایده تا عمل
عسگر صفری/ سعیده مرادی‌فر ۲۲۹
- موازنه‌سازی چین در آسیای مرکزی: پیش‌ران‌ها و پس‌ران‌ها
محسن جمشیدی/ احمد شوهانی ۲۵۹

قدرت هوشمند روسیه و مناقشه رژیم صهیونیستی و فلسطین (۲۰۲۴-۲۰۱۲)

علی اکبرپور آلمه جوقی^۱

چکیده

در چارچوب آنارشیسم نظام بین‌المللی، دولت‌ها سیاست خارجی خود را متناسب با منافع و شرایط محیطی تنظیم می‌کنند. روسیه نیز با تلفیق قدرت سخت و نرم، سیاستی مبتنی بر قدرت هوشمند در خاورمیانه اتخاذ کرده است. این کشور از قدرت سخت برای مقابله با گروه‌های بنیادگرا استفاده کرده و هم‌زمان با بهره‌گیری از قدرت نرم، در موضوع فلسطین و رژیم صهیونیستی جایگاه خود را به‌عنوان یک بازیگر متعادل تقویت کرده است. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که هدف اصلی روسیه، حفظ منافع ژئوپلیتیکی، کاهش هزینه‌ها و افزایش نفوذ منطقه‌ای بوده است. همچنین مسکو تلاش کرده تصویر بین‌المللی خود را به‌عنوان میانجی صلح تثبیت کند. این سیاست دوگانه، پاسخی هوشمندانه به پیچیدگی‌های ژئوپلیتیکی خاورمیانه بوده است.

واژگان کلیدی:

قدرت هوشمند؛ روسیه؛ خاورمیانه؛ گروه‌های بنیادگرا؛ مناقشه رژیم صهیونیستی - فلسطین.

مقدمه

خاورمیانه همواره یکی از مهم‌ترین مناطق برای قدرت‌های جهانی به‌ویژه آمریکا و روسیه بوده است. از دوران جنگ سرد که رقابت‌ها بر سر نفوذ در ایران، مصر، سوریه، و دیگر کشورها در منطقه آغاز شد، تا سال‌های اخیر که مسائلی چون رشد گروه‌های بنیادگرا، درگیری‌های داخلی سوریه و عراق، و مناقشه فلسطین و رژیم صهیونیستی، منطقه را به مرکز توجه جهانی تبدیل کرده است. پژوهش حاضر به تحلیل راهبردهای روسیه به‌عنوان یک قدرت بزرگ و فعال در این منطقه می‌پردازد. این پژوهش با تمرکز بر بازه زمانی ۲۰۱۲ تا ۲۰۲۴، زمانی که تحولات بزرگی در این منطقه رخ داد، راهبردهای این کشور را در مدیریت مناقشات و مسائل منطقه‌ای بررسی می‌کند و به دنبال یافتن پاسخ‌هایی برای چگونگی تغییر رفتار آن در این دوره حساس است. بازه زمانی ۲۰۱۲ تا ۲۰۲۴، که این مقاله بر آن تمرکز دارد، دوره‌ای حیاتی در تاریخ معاصر است. در این دوره، منطقه غرب آسیا شاهد تغییرات مهمی در ساختار نظم خود و قدرت‌یابی گروه‌های بنیادگرا است. در این میان، روسیه با تکیه بر سیاست‌های متکی بر قدرت سخت و نرم به دنبال بازسازی جایگاه خود به‌عنوان یک قدرت بزرگ بوده است. در بازه زمانی مورد مطالعه، روسیه با تکیه بر سیاست‌های مختلف در منطقه خاورمیانه با هدف پیشبرد منافع ملی، به‌عنوان یک قدرت جهانی با تقویت تصویر داخلی و خارجی؛ به‌عنوان کشوری متعهد به حل و فصل مشترک مشکلات جهانی مطرح شده است. این پژوهش با بهره‌گیری از نظریه قدرت هوشمند به تحلیل این تحولات می‌پردازد و سیاست روسیه را در خاورمیانه با تأکید بر گروه‌های بنیادگرا و مناقشه رژیم صهیونیستی و فلسطین بررسی می‌کند.

اگرچه مفهوم قدرت هوشمند برای اولین بار توسط سوزان ناسل در مجله امور خارجه^۱ ذکر شد، به معنای امروزی در سال ۲۰۰۷ قبل از انتخابات ریاست جمهوری ایالات متحده ظهور کرد (Nossel, 2004: 133). قدرت هوشمند به توانایی یک دولت برای ترکیب ابزارهای قدرت سخت و نرم در یک استراتژی موفق اشاره دارد. قدرت سخت توسط ابزار نظامی و اقتصادی شکل می‌گیرد و قدرت نرم انتزاعی‌تر است و با فرهنگ و ارزش‌های کشور توصیف می‌شود (Erdil, 2022: 248). در واقع، قدرت هوشمند به معنای حداکثر کردن قدرت یا حفظ هژمونی نیست، بلکه یافتن راهی برای ترکیب موفقیت‌آمیز منابع قدرت با استراتژی‌ها و سیاست‌های درست در محیطی که کشورهای دیگر در حال قدرت‌یابی هستند، است. این

^۱. Foreign Affairs

پژوهش، انگیزه‌های حضور روسیه در خاورمیانه را روشن می‌کند و نقش روبه‌رشد آن در مسئله گروه‌های بنیادگرا و مناقشه رژیم صهیونیستی و فلسطین، و تلاش‌هایش برای دفاع از امنیت و منافع ملی را بررسی می‌کند. همچنین گزارشی چندبعدی و ارزشمند از سیاست خارجی مسکو ارائه می‌دهد. این تصویر ارائه می‌شود که منافع اقتصادی و ملاحظات امنیتی کم‌اهمیت نیست. امری که زمینه نقش پررنگ‌تر روسیه را در معادلات این منطقه نشان می‌دهد. ارائه تحلیلی درست از وضعیت سیاست‌های روسیه، می‌تواند به آینده‌پژوهی و سیاست‌گذاری مقامات و مسئولان حوزه سیاست خارجی کمک نماید. حضور پرتداوم قدرت‌های جهانی در منطقه خاورمیانه، اهمیت توجه به این منطقه و مسائل آن را روشن می‌نماید. از این رو، ضرورت دارد که مسائل این منطقه به صورت علمی و تئوریک واکاوی شود. باتوجه به گستردگی ابعاد، رویکردها و حجم گسترده مسائل و موضوعات مختلف در منطقه خاورمیانه؛ این پژوهش با تحلیل سیاست‌های روسیه؛ یک تحلیل جامع و دقیق از سیاست خاورمیانه‌ای روسیه با تأکید بر نظریه‌های قدرت سخت و نرم ارائه می‌دهد که به پژوهشگران، تحلیلگران روابط بین‌الملل و سیاست‌گذاران کمک می‌کند تا درک عمیق‌تری از پویایی‌های این منطقه به دست آورند و از این منظر به شکاف‌های پژوهشی و ادبیات علمی می‌افزاید. بر این مبنا، مسئله پژوهش این است که قدرت هوشمند روسیه در خاورمیانه با تأکید بر گروه‌های بنیادگرا و مناقشه رژیم صهیونیستی و فلسطین (۲۰۲۴-۲۰۱۲) به چه نحوی قابل تبیین است؟ در چارچوب تحلیل سیاست‌های روسیه، استدلال می‌شود که منافع این کشور در این منطقه، در راستای استراتژی قدرت هوشمند قابل تبیین است.

پیشینه پژوهش. تحلیل سیاست‌های روسیه در خاورمیانه، موضوع مطالعات متعددی است. البته تحقیقات پیشین در مورد سیاست‌های روسیه در خاورمیانه بر اهداف استراتژیک متفاوت، منافع ژئوپلیتیکی و پیامدهای گسترده‌تر اقدامات آن‌ها متمرکز شده، و محققان جنبه‌های مختلفی از این موضوع پیچیده را بررسی کرده‌اند. در این بخش به چند مورد از این پژوهش‌ها می‌پردازیم:

هدایتی شهیدانی (۱۳۹۸)، در مقاله خود با عنوان «درک قدرت هوشمند در روندهای سیاست خارجی روسیه (۲۰۱۴-۲۰۱۹)»، با نگاهی کلی مفهوم قدرت هوشمند را در راهبردهای مسکو مورد بررسی قرار داده و بهره‌برداری از منابع قدرت هوشمند در جهت استمرار فرآیند رشد را از ویژگی‌های راهبردی روسیه دانسته است. واحدپور و همکاران (۱۴۰۰)، در مقاله خود با «بررسی راهبرد سیاست خارجی روسیه در منطقه ژئوپلیتیک

خاورمیانه در پرتو گسترش افراط‌گرایی دینی در قرن ۲۱»، نشان دادند یکی از دلایل گسترش حضور روسیه در این منطقه، قدرت‌گیری جریان‌های افراطی است. جعفری و شفقت نیا (۱۴۰۱)، در مقاله خود با عنوان «عوامل مؤثر بر تصمیم‌سازی روسیه نسبت به رژیم صهیونیستی»؛ بر عامل نقش و محیط به‌عنوان عوامل مؤثر بر تصمیم‌گیری روسیه تأکید کرده است. جعفری فر و شیرازی (۱۴۰۲)، در مقاله خود با عنوان «سیاست قدرت هوشمند (نرم و سخت) روسیه در سوریه، با تأکید بر مقابله با ترکیه ۲۰۲۳-۲۰۱۱»، نشان دادند در میدان سوریه قدرت هوشمند روسیه با تأکید بیشتر بر قدرت نرم برای مهار ترکیه به کار گرفته‌شده و مهم‌ترین دستاورد روسیه با کاربرد قدرت هوشمند، عدم درگیری با ترکیه، حفظ رژیم اسد، جلوگیری از اقدام نظامی گسترده ترکیه علیه سوریه بوده است.

الیسون^۱ (۲۰۱۳)، در مقاله خود با بررسی «تفکر استراتژیک روسیه در خاورمیانه پیش از ظهور داعش»، بینش‌های مهمی در مورد اهداف بلندمدت مسکو ارائه کرد. این کار به درک تداوم و تغییرات سیاست روسیه قبل و بعد از ظهور داعش کمک می‌کند. کاتز^۲ (۲۰۱۶) در مقاله خود با «بررسی انگیزه‌های مداخله روسیه در سوریه»، استدلال کرد که مقابله با داعش اولویت دوم بعد از حمایت از رژیم اسد و به چالش کشیدن نفوذ ایالات متحده در منطقه است. این مطالعه بینش‌هایی در مورد تعامل پیچیده بین تلاش‌های ضدتروریسم و اهداف ژئوپلیتیک ارائه می‌دهد. بورشچوسکایا^۳ (۲۰۲۱)، در مقاله خود با عنوان «طرح قدرت نرم روسیه در خاورمیانه»؛ به‌طور مفصل منشأ و تکامل قدرت نرم روسیه را بررسی می‌کند، و به مقایسه دیدگاه کنونی روسیه در مورد قدرت نرم با دیدگاه اتحاد جماهیر شوروی می‌پردازد. این پژوهش مروری بر یکی از مهم‌ترین مناطق درگیری کنونی است. الرفیعی^۴ (۲۰۲۳)، در مقاله خود با عنوان «تأثیر رقابت بین‌المللی بین روسیه و ناتو بر موازنه قدرت در خاورمیانه»؛ نشان داد که روسیه در پاسخ به واقعیت سیاست جهانی معاصر، استراتژی خود را در خاورمیانه، بر ملاحظات ژئوپلیتیکی همچون تقویت روابط دوجانبه و تجارت برای تقویت موقعیت روسیه بنا نموده است.

علاوه بر این موارد، از دیگر پژوهش‌های مرتبط، می‌توان به پژوهش‌های کیانی (۱۳۸۶) با عنوان «سیاست روسیه در خاورمیانه: محورها و محرک‌ها»؛ کولایی و نوری (۱۳۸۹) با عنوان «عمل‌گرایی پوتین و تغییر در رویکردهای سیاست خارجی روسیه»؛ جعفری فر و

1. Allison

2. Katz

3. Borshchevskaya

4. El-Rafie

شیرازی (۱۴۰۰) با عنوان «سیاست خارجی روسیه در سوریه از منظر قدرت هوشمند»؛ آتیاس^۱ (۲۰۱۹) مقاله‌ای با عنوان «قدرت نرم روسیه در خاورمیانه»؛ هاتون و هاتون^۲ (۲۰۲۳) با عنوان «رقابت قدرت‌های بزرگ و خاورمیانه با تأکید بر روسیه»؛ و غیره اشاره نمود. برخلاف مطالعات پیشین، این تحقیق تحلیل مستقیمی از سیاست‌های خاورمیانه‌ای روسیه ارائه می‌دهد و بینش جدیدی در مورد استراتژی‌های آن‌ها به‌ویژه در مسئله گروه‌های بنیادگرا و مناقشه رژیم صهیونیستی و فلسطین ارائه می‌دهد. این پژوهش با در نظر گرفتن قدرت هوشمند به‌عنوان مبنای نظری، چارچوب تحلیلی جدیدی برای درک حرکات استراتژیک روسیه در خاورمیانه ارائه می‌کند، و به شکاف در ادبیات کنونی با تمرکز بر سوریه و فلسطین می‌پردازد. ضمن این که بیشتر مقالات پیشین بر بحران سوریه تمرکز نموده و به بررسی موردی قدرت هوشمند روسیه در خاورمیانه با تأکید بر گروه‌های بنیادگرا و مناقشه رژیم صهیونیستی و فلسطین در بازه زمانی سال‌های ۲۰۱۲ تا ۲۰۲۴ توجهی نداشته‌اند. از این رو، هدف این تحقیق ترکیب قدرت نرم و سخت در راهبردهای روسیه با تأکید بر گروه‌های بنیادگرا و مناقشه رژیم صهیونیستی و فلسطین در بازه زمانی سال‌های ۲۰۱۲ تا ۲۰۲۴ برای ارائه درک جامع‌تر از قدرت هوشمند این کشور است. بررسی موردی این موضوعات می‌تواند نوآوری این مقاله باشد و به شکاف موجود در ادبیات بین‌الملل کمک نماید.

چارچوب نظری پژوهش: قدرت هوشمند. هرگونه اعمال و رفتار در روابط بین‌الملل

زیربنایش، ایدئولوژی حاکم بر کارگزاران آن است. تبیین رفتار دولت‌ها نیازمند شناخت دقیق نظریات حوزه روابط بین‌الملل است. از بین نظریات موجود، برخی نظریات اهمیت بیشتری دارند، و به نحو بهتری می‌توانند معادلات بین‌المللی و رویکرد دولت‌های مختلف نسبت به تحولات مختلف را تبیین نمایند. آنچه اهمیت دارد، توجه به بهترین نظریه‌ها برای تبیین مسئله پژوهش است. با توجه به نقش مهم قدرت در الگوهای رفتاری کشورها، تأکید هم‌زمان بر مؤلفه‌های قدرت سخت و نرم با عنوان «قدرت هوشمند» دارای اهمیت است. اگرچه مفهوم قدرت هوشمند اولین بار توسط سوزان ناسل در مجله امور خارجه^۳ ذکر شد، به معنای امروزی در سال ۲۰۰۷ قبل از انتخابات ریاست جمهوری ایالات متحده ظهور کرد، و توسط هیلاری کلینتون وزیر امور خارجه باراک اوباما مورد استفاده قرار گرفت، و در سال ۲۰۱۱ در کتاب *آینده قدرت* توسعه داده شد (Nossel, 2004: 133). قدرت هوشمند برای

1. Attias

2. Houghton & Houghton

3. Foreign Affairs

آمریکای هوشمندتر و ایمن‌تر، زیرساخت‌های نظری مفهوم قدرت هوشمند ایجاد کرده است (Nye, 2007: 22). بر اساس این تعریف، قدرت هوشمند به معنای حداکثرکردن قدرت یا حفظ هژمونی نیست. بلکه یافتن راهی برای ترکیب موفقیت‌آمیز منابع قدرت با استراتژی‌ها و سیاست‌های درست در محیطی است که کشورهای دیگر در حال نفوذ هستند و قدرت بین بازیگران مختلف توزیع می‌شود (Nye, 2007: 7).

اصطلاح «قدرت هوشمند» توسط جوزف نای به مفهومی رایج در سیاست خارجی تبدیل شد، و در تحقیقات دانشگاهی فراوانی مورد استفاده محققان قرار گرفت (Sari & Erkam Sula, 2014: 21). نای شیوه به‌کارگیری قدرت نرم را به این صورت تشریح می‌کند که در اثرگذاری آن پذیرش و اقناع طرف مقابل نیز مؤثر است و به‌کارگیری آن در مواجهه با تهدیدات فرایند مشکل‌تری است. مضافاً این‌که قدرت نرم غالباً به‌صورت غیرمستقیم و با شکل‌دادن به محیط پذیرش سیاست‌ها عمل می‌کند و می‌تواند سال‌ها طول بکشد. از این‌رو که قدرت سخت به‌عنوان ابزار سیاست خارجی به‌تنهایی به‌طور فزاینده‌ای مشکل‌ساز است، قدرت نرم ارزش بیشتری پیدا کرده است (Wagner, 2021: 25). با این حال، توجه نسبتاً کمی به اینکه قدرت سخت و نرم چگونه با هم تعامل می‌کنند، وجود دارد. این دو، مفاهیمی به‌ظاهر متمایز هستند که مسیرهای جداگانه‌ای را طی می‌کنند. مفاهیم قدرت سخت و نرم را می‌توان دو قطب در تداوم قدرت در نظر گرفت. همچنین متضمن ایده‌ها، تعاملات و نهادهای متفاوتی هستند که به‌عنوان ابزار سیاست خارجی در زمینه‌های سیاسی، امنیتی و اقتصادی مورد استفاده قرار می‌گیرند.

از آنجایی‌که این اصطلاح توسط دولت اواما پذیرفته شد، برخی از تحلیلگران بیان می‌کنند که این اصطلاح فقط به ایالات متحده اطلاق می‌شود. اما قدرت هوشمند محدود به ایالات متحده نیست. از لحاظ تاریخی، دولت‌های مختلفی از استراتژی‌های قدرت هوشمند استفاده کرده‌اند (Nye, 2023: 3). کشورهای مختلف با انگیزه‌های متفاوتی به ترکیب منابع قدرت سخت و نرم تأکید کرده‌اند. در این پژوهش، نویسنده از این نظریه در تحلیل سیاست خاورمیانه‌ای روسیه با تأکید بر مناقشه رژیم صهیونیستی و فلسطین و گروه‌های بنیادگرا استفاده می‌کند. تغییراتی که در سیاست روسیه در این منطقه قابل توضیح است. بدین معنا که سیاست خارجی ایستا نیست، بلکه برای دستیابی به اهداف تمایل به تغییر دارد (Mutiarah Bahari & Sahide, 2022: 273).

پیشبرد منافع ملی و تقویت تصویر داخلی و خارجی کشور به‌عنوان کشوری متعهد به حل‌وفصل مشترک مشکلات جهانی و منطقه‌ای، می‌تواند به جلو بردن سیاست روسیه در مناطق مهم همچون خاورمیانه کمک نماید. در این بین، ضعف اتحادیه اروپا، افزایش قدرت اقتصادی چین و کاهش حضور آمریکا در منطقه خاورمیانه، عوامل مهمی برای توضیح تغییرات در سیاست روسیه در این منطقه است (Lambert, 2016: 13). تأکید روزافزون بر دیپلماسی و قدرت نرم در کنار کاربرد قدرت سخت توسط روسیه و کشورهایی که با ارزش‌ها و سیاست‌های آمریکا مخالف هستند، می‌تواند فرصت‌های مهمی برای روسیه ایجاد نماید. روسیه با هدف گسترش نفوذ در خاورمیانه، سرمایه‌گذاری زیادی در ابزارهای قدرت نرم و سخت نموده تا از نفوذ خود برای شکل دادن به روایت‌های خود در منطقه و ارائه تصویری مثبت استفاده می‌کند. در این چارچوب، می‌توان به تبیین قدرت هوشمند روسیه در خاورمیانه با تأکید بر گروه‌های بنیادگرا و مناقشه رژیم صهیونیستی و فلسطین اشاره نمود. روسیه از قدرت سخت در مقابله با گروه‌های بنیادگرا با مانورهای دیپلماتیک استفاده کرد که موقعیت این کشور را به‌عنوان یک بازیگر کلیدی در مسئله فلسطین تقویت نمود (Morozov & Simons, 2019: 237)؛ بنابراین، روسیه از راهبردهای قدرت هوشمند به طرق مختلف در سیاست‌های خود استفاده کرده است. هدف از این اقدامات، کسب منافع بیشتر و ارائه تصویر مثبت از خود در چارچوب قدرت هوشمند است. استفاده از ابزارهای قدرت هوشمند می‌تواند به تبیین سیاست خارجی این کشور کمک کند. رفتار روسیه در خاورمیانه، و به طور خاص در مناقشه رژیم صهیونیستی و فلسطین و مقابله با گروه‌های بنیادگرا همچون داعش در سوریه، تحت تأثیر مفاهیم نقش برجسته آن، مانند «ضد هژمونیک» و «میانجی متعادل‌کننده» و جمعیت سنتی چند قومیتی است. داشتن روابط خوب با بازیگران مختلف به‌عنوان بخشی از هویت روسیه به نفع یک ساختار اجتماعی همکاری است که در آن می‌تواند نقش‌های خود را برای کسب منافع و ارائه تصویر مثبت ایفا کند. روسیه با ایجاد بذر نارضایتی، محیط اطلاعاتی خاورمیانه را از طریق تبلیغات و از طریق تلویزیون شکل داده است، و هم‌زمان از قدرت سخت برای پیشبرد منافع خود سود برده است. در واقع، روسیه سعی می‌کند از قدرت هوشمند استفاده کند، به این معنا که تکنیک‌های قدرت نرم و قدرت سخت را با هم ترکیب می‌کند، به این امید که این اقدامات تأثیراتی را که می‌خواهد ایجاد کنند، و باعث شوند کشورها آنچه را که روسیه می‌خواهد

انجام دهند. با استفاده از دیدگاه جوزف نای، قدرت هوشمند (قدرت سخت و نرم) روسیه در خاورمیانه در ابعاد فرهنگ، ارزش، نظامی و اقتصادی قابل تبیین است.

۱. ژئوپلیتیک خاورمیانه (غرب آسیا) و دلایل اهمیت آن

در طول قرن بیست و یکم، آغاز درگیری‌ها در سوریه و یمن از سال ۲۰۱۱؛ ظهور گروه‌های بنیادگرا؛ و گسترده‌تر شدن اختلافات فلسطینی‌ها و رژیم صهیونیستی‌ها به‌ویژه در سال‌های اخیر، از مباحث مهم منطقه‌ای است (Farias, 2020: 2). در ادامه، دلایل اهمیت خاورمیانه که زمینه توجه قدرت‌های جهانی را فراهم می‌نماید، ذکر شده است:

منابع انرژی و موقعیت ژئوپلیتیکی. خاورمیانه دارای اهمیت ژئواستراتژیکی فراوان، «مهد تمدن‌های بشری» و «خاستگاه ادیان بزرگ» است. این منطقه در دو قرن اخیر، به لحاظ اهمیت بین‌المللی، سیاسی و اقتصادی به یکی از مهم‌ترین مناطق جهان تبدیل شده است (احمدی، ۱۴۰۰: ۳). خاورمیانه به دلیل داشتن منابع انرژی و موقعیت ژئوپلیتیکی، حوزه منفعتی غیرقابل اغماض برای بازیگرانی چون روسیه محسوب می‌شود (سهرابی، ۱۳۹۳: ۱۱۵). ژئوپلیتیک خاورمیانه به تکامل خود ادامه می‌دهد و تحولات در نقاط دورتر مانند اروپا یا چین می‌تواند رقابت را تشدید کند یا کاهش دهد. خاورمیانه با هیدروکربن‌های غنی، موقعیت استراتژیک ژئوپلیتیکی، خطوط دریایی کلیدی بین‌المللی، از کانال سوئز و باب‌المعده تا تنگه هرمز برای سال‌ها مکانی مهم برای رقابت قدرت‌های بزرگ است (Michnik, 2021: 13).

مقابله با گروه‌های بنیادگرا. ارتباط بین سه دین اصلی، مسیحیت، اسلام و یهودیت، و حوزه‌های فرهنگی مرتبط، زمینه‌های محلی و منطقه‌ای در خاورمیانه را برای بیش از یک هزار سال مشخص کرده است. مشروعیت داخلی مورد مناقشه رژیم‌های عربی و درک شدید آسیب‌پذیری به‌طور سنتی معضلات امنیتی در خاورمیانه می‌باشند (Del Sarto & i Lecha, 2024: 7). در واقع، ایدئولوژی‌ها و جریان‌های فکری تأثیرگذار بر روند اتفاقات تاریخی در منطقه خاورمیانه و غرب آسیا، ناسیونالیسم و گرایش‌های فکری ناسیونالیستی را می‌توان از جریان‌های فکری مؤثرتر در این منطقه دانست (احمدی، ۱۴۰۰: ۳). رشد گروه‌های بنیادگرا نشان‌دهنده فصل جدیدی از مسائل امنیتی در این منطقه است. در این بستر، گروه‌های بنیادگرا بخصوص بنیادگرایی دینی با بهره‌گیری از این ظرفیت به دنبال سازمان‌دهی و تقویت موقعیت خود در برابر دولت‌ها برآمده‌اند (Schuman, 2022: 2). در این چارچوب،

شکل‌گیری تهدیدات دولت اسلامی عراق و شام «داعش»^۱ و سایر گروه‌های بنیادگرا در منطقه خاورمیانه، حائز اهمیت بسزایی می‌باشد.^۲ در شرایط فعلی، فهم و تحلیل مسائل خاورمیانه بدون توجه به نقش محوری گرایش‌ها و جنبش‌های بنیادگرای فعال در این منطقه امکان‌پذیر نیست (Mazrui, 1975: 726).

مسئله رژیم صهیونیستی و فلسطین. روابط بین رژیم صهیونیستی و فلسطین احتمالاً در یک سطح تاریخی قرار دارد. ایجاد شهرک‌های صهیونیستی در کرانه باختری در دهه ۲۰۰۰ بر پیچیدگی درگیری‌ها افزود و دو جنگ در سال‌های ۲۰۰۸-۲۰۰۹ و ۲۰۱۴ خسارات قابل توجهی را به دو طرف وارد کرد (Cohen, 2017: 15). باوجود تلاش‌ها برای گشودن گفت‌وگوی صلح، درگیری‌ها در دهه ۲۰۱۰ ادامه یافت تا اینکه در ۷ اکتبر ۲۰۲۳ با شروع آخرین درگیری مسلحانه، تنش‌ها به اوج خود رسید (Selján, 2024: 84). در این تاریخ، حماس حمله غافلگیرانه، بی‌سابقه و چندجانبه‌ای علیه رژیم صهیونیستی آغاز نمود. حمله حماس به شهرهای رژیم صهیونیستی و پاسخ نظامی رژیم صهیونیستی باعث تشدید خشونت و وضعیت بشردوستانه فزاینده‌ای در نوار غزه شده است. تا قبل از این تاریخ، سازمان ملل متحد سال ۲۰۲۲ را به‌عنوان «کشنده‌ترین سال» برای فلسطینی‌ها از سال ۲۰۰۶، به‌ویژه در کرانه باختری معرفی کرد (Tahhan & Humaid, 2022: 26). درگیری‌ها همچنان تداوم دارد، و در شرایط زمانی نگارش این پژوهش (مهرماه ۱۴۰۳)، با شهادت مقامات حماس تنش‌ها بین طرفین شدت گرفته است. تنش‌ها در سراسر خاورمیانه گسترش یافته و کشورهای همچون ایران، عراق، سوریه، یمن و لبنان نیز درگیر شده‌اند.

۲. بررسی سیاست خاورمیانه‌ای روسیه در خاورمیانه

سیاست خارجی روسیه پس از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی دارای فرازوفرودهای بسیاری است. پایان جنگ سرد، فرصتی برای مسکو فراهم آورد تا در سیاست‌های خود در خاورمیانه بازاندیشی نماید و یک دیپلماسی پویا در قبال این منطقه گردید. در این بخش، سیاست روسیه در خاورمیانه در دو بخش کلی بحث شده است:

^۱. Islamic state of Iraq and Syria (ISIS)

^۲. برای مطالعه بیشتر در زمینه شکل‌گیری داعش و عوامل موثر بر تداوم آن ر. ک: اکبریپور آلمه جوقی، علی. (۱۴۰۳). *سیاست آمریکا و روسیه در مواجهه با مسئله داعش (۲۰۲۴-۲۰۱۳)*. تهران: انتشارات متخصصان.

دوره پس از جنگ سرد تا سال ۲۰۱۲: فعالیت دیپلماتیک. با انتخاب پوتین در سال ۲۰۰۰ و افزایش قدرت سیاسی و اقتصادی که در پرتو مدیریت اقتدارگرایانه وی صورت پذیرفت، کرملین فرصت یافت با اتخاذ یک سیاست انبساطی، حوزه‌های گسترده‌تری را در عرصه سیاست خارجی تعریف نماید. در این راستا، خاورمیانه به دلیل منابع انرژی و موقعیت ژئوپلیتیک، حوزه منفعتی غیرقابل اغماض برای روسیه محسوب می‌شد. در ادامه، سیاست روسیه در خاورمیانه در قالب چند بخش مجزا از سال ۲۰۰۰ تا شرایط کنونی قابل بررسی است:

دوره اول ریاست جمهوری پوتین با ایده یک دولت - ملت روسی کارآمد همراه شد تا بتواند از منافع روسیه در «خارج نزدیک»^۱ محافظت کند. پوتین دو ویژگی خاص در سیاست خارجی اعمال نمود. نخست اینکه سیاست خارجی عمل‌گرا شد و دوم اینکه، از سال ۲۰۰۰ به بعد به دنبال مشارکت راهبردی با اروپا و به‌ویژه با آمریکا بود. از سوی دیگر، پوتین گام در راه برپایی شوکت دوباره روسیه از طریق بازگشت به اصول سیاست خارجی شوروی، اما نه از منظر ایدئولوژیک، بلکه با تکیه بر ملی‌گرایی و اقتدارگرایی روسی گذارد. روسیه در چارچوب اهداف و منافع خود در خاورمیانه، فعالانه با بازیگران منطقه‌ای (ایران و سوریه) برای براندازی اهداف و منافع غرب در منطقه همکاری نمود (Friedman, 2015: 93). از آغاز قرن حاضر، روابط نزدیک‌تر با کشورهای حوزه خاورمیانه مورد توجه قرار گرفت (Frear & Mazepus, 2021: 1217). حضور کرملین در حوزه‌های مختلف سیاسی، اقتصادی، تسلیحاتی و دفاعی، انرژی و اجتماعی خاورمیانه قابل ملاحظه بوده است. چنین حضوری حاکی از این واقعیت انکارناپذیر است که نگاه پوتین به خاورمیانه استراتژیک بوده و لذا سیاست خارجی آن در منطقه مذکور از اصول و تدابیر تعریف‌شده‌ای پیروی کرده، و با احیای نقش روسیه به‌عنوان یک قدرت جهانی همراه بوده است.

در سال ۲۰۰۸، دمیتری مدودف پیروز انتخابات ریاست جمهوری گردید. وی بعد از پیروزی، در مصاحبه‌ای با سه شبکه تلویزیونی روسیه خاطر نشان ساخت که اولویت روسیه در سیاست خارجی، دفاع از حیات و ارزش‌های ملت روسیه است و منافع ملی روسیه در مشارکت با مناطقی که با این کشور روابط دوستانه دارند، قابل دستیابی است. در دوران مدودف، روسیه در چند جبهه با غرب دچار کشمکش بود، اما تلاش برای بازنشانی روابط با آمریکا و مدرن کردن اقتصاد روسیه از طریق همکاری با غرب، حرکت بیشتر در روابط روسیه و کشورهای خاورمیانه را کمرنگ کرد (Sim, 2018: 37). روسیه همچنان به حمایت

^۱. blizhnee zarubezh'e

از آرمان فلسطین و تشکیل یک کشور مستقل ادامه داد و درعین حال روابط با رژیم صهیونیستی را بهبود بخشید. روسیه تلاش کرد افزون بر گسترش روابط با ترکیه، ایران و عربستان سعودی، در کشورهایی همچون مصر، یمن، عراق، سوریه، فلسطین و اسرائیل به‌عنوان حوزه نفوذ حاضر شود (کوشکی و طاهری بزی، ۱۳۹۴: ۵۸-۵۷). با نگاهی به سیاست خارجی روسیه طی دهه اول قرن بیستویک و مقایسه آن با دهه نود قرن گذشته می‌توان دریافت خاورمیانه عرصه‌ای اجتناب‌ناپذیر در سیاست فرامرزی روسیه است.

از سال ۲۰۱۲ تا ۲۰۱۷: سیاست تغییر حضور. از سال ۲۰۱۲، خاورمیانه نه‌تنها منطقه‌ای دارای اهمیت است، بلکه یک زمین‌بازی در برابر غرب تلقی می‌شود. در این چارچوب، منافع روسیه در منطقه توسعه داده شده و دیپلماسی آن دستخوش دگرگونی جدی شده است. از سال ۲۰۱۲، رویکرد روسیه در قالب چند بخش قابل‌بررسی است. از سال ۲۰۱۲ تا اواخر سال ۲۰۱۳؛ از اوایل سال ۲۰۱۴ تا اواخر سال ۲۰۱۷؛ از سال ۲۰۱۸ تا سال ۲۰۲۴.

از سال ۲۰۱۲ تا اواخر سال ۲۰۱۳. در این دوره، روسیه زمینه را برای دخالت عمیق‌تر در امور منطقه‌ای و گسترش روابط با قدرت‌های منطقه‌ای بررسی کرد. اگرچه این دوره با افزایش شدت تماس‌های دیپلماتیک با بازیگران منطقه‌ای مشخص شد، روسیه سعی کرد از دخالت مستقیم در امور داخلی منطقه خودداری کند و در عوض خود را یک قدرت بی‌طرف در درگیری‌های جاری نشان دهد. این امر روابط روسیه و ایران را به سطح جدیدی رساند و زمینه را برای بهبود گفت‌وگوهای سیاسی با مصر ایجاد کرد. هم‌زمان ارتباط خود را با کشورهایی همچون قطر که قبلاً برای توسعه گفت‌وگوی سازنده با آن‌ها با مشکلاتی مواجه شده بود، گسترش داد. قطر از آن زمان یکی از بزرگ‌ترین سرمایه‌گذاران خارجی در اقتصاد روسیه است (Kozhanov, 2018: 4-5). در طول سال ۲۰۱۲، مقامات روسیه از گفتگو با همه بازیگران منطقه‌ای استقبال کردند و سعی نمودند قدرت‌های خاورمیانه را در طیف گسترده‌ای از موضوعات درگیر کنند. در سال ۲۰۱۳، دولت مجمع همکاری عرب و روسیه را راه‌اندازی کرد که در آن مقامات روسیه و نمایندگان عالی‌رتبه کشورهای عربی می‌توانستند مشکلات سیاسی و اقتصادی موجود را موردبحث و بررسی قرار دهند (Aluwaisheg, 2014: 29). روسیه انگیزه‌های مختلفی از این اقدامات داشت:

اول، تماس‌های شدید آن با کشورهای مسلط‌تر خاورمیانه، بخشی از استراتژی آن برای جلوگیری از انزوای کامل بین‌المللی ناشی از تنش‌های فزاینده با غرب بود. به‌عنوان مثال، مسکو از طریق گفت‌وگوی فعال با تل‌آویو، موضع بی‌طرف رژیم صهیونیستی را در قبال

رویاری روسیه و اوکراین تضمین کرد و قول داد موضوع برنامه هسته‌ای ایران به‌گونه‌ای حل‌وفصل شود که هرگونه تهدید امنیتی علیه رژیم صهیونیستی را از بین ببرد (RIA (Novosti, 2015: 26).

دوم، کرملین نگران تلاش برخی نیروها برای معرفی روسیه به‌عنوان دشمن اسلام و تحریک گروه‌های سیاسی محافظه‌کار در کشورهای این منطقه برای حمایت از اسلام‌گرایان رادیکال در قفقاز و آسیای مرکزی بود. روسیه سعی کرد با کشورهای خاورمیانه تعامل کند تا به آن‌ها نشان دهد که روسیه دشمن جهان اسلام نیست؛ بنابراین، مسکو بر علاقه خود به حل‌وفصل مسالمت‌آمیز تمام خصومت‌های منطقه‌ای تأکید کرد (Kozhanov, 2018: 6).

سوم، روسیه به دنبال این بود که به ایالات متحده و اتحادیه اروپا نشان دهد که نقش مهمی در حل‌وفصل مسائل بین‌المللی موجود دارد. درگیری‌ها در خاورمیانه فرصت‌هایی را برای روسیه برای اثبات این موضوع فراهم کرد. از سال ۲۰۱۲، روسیه فعالانه برای تضمین گفتگوی مؤثر بین ایران و غرب در مورد موضوع هسته‌ای تلاش کرد. این امر تا حدی غرب را در مورد اهمیت روسیه در منطقه متقاعد کرد. برخی از تحلیلگران آمریکایی نقش مسکو در مذاکرات چندجانبه درباره موضوع هسته‌ای ایران را یکی از عوامل اصلی تضمین‌کننده موفقیت این روند می‌دانند (Maloney, 2014: 25). اظهارنظر سرگئی ریابکوف^۱، معاون وزیر امور خارجه در مارس ۲۰۱۴، در پی بحران اوکراین، مبنی بر اینکه روسیه می‌تواند مشارکت خود در ۵+۱ درباره ایران را تجدیدنظر کند، کافی بود تا ایالات متحده از این احتمال نگران باشد (NBC News, 2015: 16).

از اوایل سال ۲۰۱۴ تا اواخر سال ۲۰۱۷. این دوره با دخالت فزاینده روسیه در امور خاورمیانه مشخص شد که فراتر از اقدامات دیپلماتیک بود و به مداخله نظامی در سوریه منجر شد. در سال‌های ۲۰۱۴-۲۰۱۵، روسیه همچنان به حرکت‌های اصلی خود در خاورمیانه به‌عنوان پاسخی به چالش‌های نوظهور نگاه می‌کرد. در ابتدا، رویاری فزاینده با غرب و برنامه‌های پوتین برای بازگرداندن روسیه به‌عنوان یک قدرت جهانی تأثیرگذار، محرک‌های اصلی تصمیم برای حمایت از رژیم اسد در مبارزه با مخالفان آن بود. روسیه خود را یک قدرت دفاعی می‌دید و می‌خواست به آمریکا نشان دهد که اگر نظرش در نظر گرفته نشود، می‌تواند نقش خود را ایفا کند. در اواخر سال ۲۰۱۳، از استفاده از سلاح شیمیایی در دمشق (Al Arabiya, 2013: 21) به‌عنوان دستاویزی برای مداخله نظامی استفاده شد.

^۱. Sergey Ryabkov

با این حال، عدم تمایل دولت اوباما و عدم موفقیت دولت بریتانیا در کسب موافقت پارلمان برای مشارکت در مداخله، زمان لازم را برای ارائه راه حل به روسیه داد. این اولین بار در طول درگیری سوریه بود که روسیه نشان داد اهرم فشاری برای شکل دادن به توسعه وضعیت مطابق با نیازهای خود دارد. با ادامه درگیری‌ها، روسیه شروع به بررسی دخالت عمیق تر کرد. این امر تا حدی به نگرانی‌های فزاینده آن در مورد مشارکت جنگجویان روسی‌زبان در کنار نیروهای ضد اسد مربوط می‌شد. در نتیجه، تصمیم روسیه برای اعزام نیرو به سوریه نه تنها به دلیل نیت آن برای خنثی کردن تلاش‌های غرب برای جابجایی اسد بود، بلکه همچنین این امر به دلیل گسترش بی‌ثباتی و اسلام‌گرایی رادیکال در چنین فضایی روی داد. استقرار نیروهای نظامی در اواخر سال ۲۰۱۵ و مقابله با گروه‌های بنیادگرا همچون داعش، نتیجه انتخاب بین سناریوی «بد» و «بسیار بد»، و در چارچوب تأمین منافع و امنیت ملی بود. انگیزه روسیه حوادث لیبی و عراق بود، جایی که از نابودی رژیم‌های قدیمی چیزی حاصل نشد (RBC, 2016: 14). در راستای اتخاذ سیاست خارجی فعال روسیه در خاورمیانه، مسکو به طور فعال از مجموعه‌ای از روش‌های دیپلماتیک، نظامی و غیره استفاده کرد. هدف اصلی مسکو در خاورمیانه، تضمین نقش یک نیروی خارجی مهم در یکی از بی‌ثبات‌ترین مناطق جهان تفسیر شد (Batyuk & Morozov, 2022: 325).

از سال ۲۰۱۸ تا ۲۰۲۴: تعهد به تعاملات دیپلماتیک و منافع ژئوپلیتیک. با انتخاب مجدد پوتین و به دلیل در پیش گرفتن رویکرد اوراسیا گرایی در سیاست خارجی، منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا در سیاست خارجی روسیه اهمیت دوچندانی پیدا کرده است. نوع روابط میان مسکو و واشنگتن تأثیری مهم و مستقیم بر فهم سیاست خاورمیانه‌ای روسیه دارد. در حال حاضر روسیه صادرکننده اصلی غلات به مصر و یکی از بزرگ‌ترین تأمین‌کنندگان محصولات دفاعی به منطقه است. روسیه ۱۱ درصد از کل تسلیحات وارداتی به خاورمیانه از سال ۲۰۱۵ تا ۲۰۱۹ را به خود اختصاص داد (Trenin, 2021: 10). علاوه بر این، شرکت نفت روسیه لوک اوپل به طور فعال در عراق فعالیت می‌کند. در نتیجه، سیاست و استراتژی مسکو در خاورمیانه مبتنی بر در نظر گرفتن منافع ژئوپلیتیک و اقتصادی است. کسب منافع را می‌توان در چارچوب رویکرد واقع‌گرایی تحلیل نمود. روسیه برای رهایی از تنگنای اقتصادی که حاصل فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی بود، تلاش کرد سیاست جدیدی مبتنی بر گرایش به سمت غرب را از طریق مشارکت و همکاری دنبال کند. این امر از طریق مجموعه‌ای از گام‌هایی که روسیه در پیوستن به نهادهای سیاسی و اقتصادی غربی

و توافق با غرب در مورد موضوعات مورد علاقه مشترک داشت، انجام شد. در نتیجه، سیاست فضای باز سیاسی و دیپلماتیک را در راستای تغییرات بین‌المللی آغاز کرد که نشان می‌دهد روسیه سیاست واقع‌بینانه‌تری را دنبال کرده است. بازگشت روسیه به عرصه بین‌الملل منجر به تحول مهمی در نظام سیاست بین‌الملل و موازنه قوا در سطح بین‌المللی شده که اولین نمود آن بازگشت سیاست واقع‌گرایانه روسیه بدون تکیه بر بعد ایدئولوژیک است (Kalajia, 2016: 15). از این رو، روسیه بر اساس مبانی واقع‌بینانه و به‌دوراز مبانی ایدئولوژیک، به تعریف ویژگی‌های سیاست خارجی و استراتژی امنیت ملی خود پرداخته است (Alqedra, 2022: 43). امروزه روسیه به دلیل گستره جغرافیایی وسیع، منابع انرژی فراوان و قابلیت‌های هسته‌ای خود به‌عنوان یک قدرت بزرگ شناخته می‌شود، و دارای کرسی دائمی در شورای امنیت است. همه این‌ها به روسیه مزیت و راهی برای افزایش نفوذ ژئوپلیتیکی خود در بسیاری از مناطق استراتژیک مختلف از جمله خاورمیانه داده است (Dal-Emre Erşen, 2020: 3-4). بنابراین، سیاست روسیه مبتنی بر احیای جایگاه و نقش خود در سیاست بین‌الملل، ایفای نقش فعال و تأثیرگذار در تعاملات بین‌المللی و ارتقای جایگاه در بین قدرت‌های بزرگ بین‌المللی به‌منظور تثبیت مجدد جایگاه خود است. در این چارچوب، جهت‌گیری‌های مختلفی نسبت به مسائل خاورمیانه بنا به حوزه‌های ژئوپلیتیکی با اهمیت استراتژیک داشته است. برای روسیه، حفاظت از تنوع سیاسی و فرهنگی و حمایت از توسعه ملی در مناطق و کشورهای مختلف دارای اهمیت است (Sokolshchik, 2023: 59).

۳. روسیه و گروه‌های بنیادگرا

سیاست خارجی روسیه بر مجموعه‌ای از اهداف مانند تأمین امنیت پایگاه‌های نظامی در خارج و تضمین رشد اقتصادی متمرکز است. تمایل روسیه در دستیابی به منافع ژئوپلیتیکی و گسترش حوزه نفوذ سیری‌ناپذیر است (Kadri & Akhmetova, 2020: 188). با قدرت گرفتن داعش در عراق و سوریه و نفوذ اسلام‌گرایان رادیکال در آن، تحولات منطقه روند پیچیده‌ای به خود گرفت. به‌نحوی که منافع بسیاری از کشورها، به‌ویژه روسیه را تحت تأثیر قرار داد. در این راستا، روسیه گروه‌های بنیادگرا همچون داعش را خطری برای منافع و امنیت ملی خود تصور نمود. روسیه در ابتدا با توسعه آنچه به‌عنوان دیپلماسی مذهبی در چارچوب قدرت نرم شناخته می‌شود، به طور عمل‌گرایانه تلاش کرد جایگاه خود را به‌عنوان راهی مناسب برای ساختن یک محیط تمدنی جدید حفظ کند. در عین حال و در چارچوب

قدرت سخت، گفتمان ژئوپلیتیک خود را از اوراسیا به خاورمیانه به بهانه‌های متعددی مانند رهبری جبهه ضدتروریسم، به‌موازات روابط با آمریکا گسترش دهد. جبهه ضدتروریسم روسیه در خاورمیانه و به‌ویژه سوریه مبتنی بر هویت ملی است (Wargas, 2015: 11).

از آغاز جنگ داخلی در سوریه، روسیه به‌عنوان واسطه این مناقشه عمل کرد که با اقدام نظامی در سپتامبر ۲۰۱۵ به بعد تداوم یافت (Klimentyev, 2017: 17). روسیه از ابزارهای سیاسی و دیپلماتیک بسیاری برای مقابله جدی با تروریسم استفاده می‌کند. یکی از این ابزارها، استفاده از نهاد دینی به‌عنوان نوعی قدرت نرم است؛ بنابراین، اگر در نظر بگیریم که سیاست خاورمیانه‌ای روسیه در طول یک دهه اخیر در قالب واقع‌گرایی قابل‌تبیین است، باین‌حال در این روند نباید از نقش قدرت نرم و نهادهای دینی غفلت نمود (Kadri & Akhmetova, 2020: 191). باین‌حال، اگر روسیه منتظر می‌ماند و تنها نظاره‌گر منازعات سوریه و عراق می‌بود، دیر یا زود بحران تروریسم تکفیری به بخش‌های پیرامونی و سپس درونی روسیه می‌رسید و امنیت ملی آن را با امنیت مواجه می‌ساخت. از این‌روی، راهبرد مداخله تکاملی روسیه از سال ۲۰۱۵ با حمایت از رژیم اسد را در پیش گرفت. مداخله نظامی مستقیم روسیه در سوریه، لحظه‌ای مهم در مبارزه با داعش بود، و به طور قابل‌توجهی توازن قوا درگیری سوریه را تغییر داد.

روسیه، با این استدلال که خاورمیانه یک دارایی در یک محیط ژئوپلیتیک است، مبارزه با داعش و گروه‌های بنیادگرا را یک مبارزه مشروع دانست. چراکه این رویکرد، تضمین‌کننده امنیت ملی و بازیابی جایگاه جهانی روسیه است. روسیه مسئله چچن را با تروریسم بین‌المللی پیوند می‌زند. در واقع، یکی از مهم‌ترین دلایل حمایت روسیه از اسد در بحران سوریه، ریشه در نگرانی عمیق این کشور از گسترش اسلام سلفی وهابی به جمهوری‌های اتحاد شوروی در قفقاز و آسیای مرکزی و جمهوری‌های مسلمان‌نشین این کشور دارد که تهدیدی علیه امنیت و ثبات مناطق مسلمان‌نشین است (کوشکی و طاهری بزی، ۱۳۹۴: ۵۷-۵۸). از همین روی، در طول حضور نظامی در سوریه، قدرت نظامی خود را علیه گروه‌های مخالف رژیم عمدتاً برای حفظ اسد و قدرت‌نمایی در مقابل غرب متمرکز نمود. سقوط حلب در دسامبر ۲۰۱۶ اعتماد روسیه به توانایی خود در شکل دادن به توسعه رویدادهای منطقه را تقویت کرد. در نتیجه، سیاست فعال‌تر را دنبال نمود (Kozhanov, 2018: 7-8). مسکو رویکردی واقع‌بینانه در برخورد با چنین موضوعاتی اتخاذ کرده تا منافع خود را هماهنگ نگه دارد.

سیاست فعلی روسیه در مقابله با گروه‌های بنیادگرا بر دوپایه برخورد امنیتی با این گروه‌ها و تلاش برای حفظ روابط با کشورهای این منطقه استوار است. برخوردهای امنیتی با اعضای گروه‌های بنیادگرا در حوادث تروریستی، سیاست اصلی دولت در مقابله با این گروه‌هاست. در گذشته این دیدگاه وجود داشت که دولت روسیه از این اختلافات رضایت دارد و حتی سعی می‌کند به طور غیرمستقیم به آن‌ها دامن بزند تا بتواند مانع اتحاد مسلمانان روسیه شود؛ اما اکنون به نظر می‌رسد مقامات روسیه از این اختلافات داخلی ناراضی‌اند. در نتیجه، استراتژی روسیه بر یک رویکرد معقول با تکیه بر عملیات نظامی متکی بوده تا بتواند از پایگاه‌های ژئوپلیتیکی در خاورمیانه برای منافع خود استفاده نماید. روسیه برای حفظ تعادل نظامی با ایالات متحده، به‌ویژه ثبات استراتژیک، بر منابع اقتصادی، دیپلماتیک، نظامی و فناوری سرمایه‌گذاری کرده است (Liu, 2022: 13). در این چارچوب، سیاست روسیه در قبال کشورهای خاورمیانه بر دو ستون سیاست متعادل‌سازی و استراتژی چانه‌زنی استوار است (Issaev & Shishkina, 2020; Kozhanov, 2018).

روسیه به دنبال احیای نفوذ و گسترش حضور در منطقه، مبارزه علیه تروریسم و گروه‌های افراطی را که به دنبال جدایی‌طلبی و استقلال‌خواهی هستند، دنبال می‌نماید. از منظر روسیه، مقابله با این گروه‌ها و سرکوب آن‌ها در جهت تضعیف استقلال‌خواهی آن‌هاست که به دنبال ملی‌گرایی در چین هستند (مروتی و همکاران، ۱۴۰۱: ۲۸۲). روسیه در تشخیص «بنیادگرایی» و «افراط‌گرایی» اسلامی تمایز قائل شده، و فقط از تروریسم صحبت کرده است (Dannreuther, 2018: 731). عاملی که موجب تقویت روابط با گروه‌هایی همچون حزب‌الله و حماس بوده است. به‌عبارت‌دیگر، عمل‌گرایی عامل تعیین‌کننده در همکاری روسیه با هر کشور و گروهی در این منطقه است. روسیه به دنبال این بوده تا گفتمان ژئوپلیتیک خود را از اوراسیا به خاورمیانه به بهانه‌های متعددی مانند رهبری جبهه ضد تروریسم، به‌موازات روابط روسیه و آمریکا که گاه رقیب از نظر حوزه نفوذ و در موارد دیگر متزلزل هستند، گسترش دهد (Wargas, 2015: 11). به گفته رهبران روسیه، گروه‌های جهادی در قفقاز و خاورمیانه از لحاظ لجستیکی و معنوی به هم مرتبط هستند، چراکه برای بی‌ثبات کردن امنیت داخلی روسیه و از بیرون به‌عنوان تهدیدی برای منافع ژئوپلیتیک روسیه در هر دو منطقه همکاری می‌کنند. به عبارتی اگر روسیه منتظر می‌ماند و تنها نظاره‌گر منازعات سوریه و عراق می‌بود، دیر یا زود بحران تروریسم تکفیری به بخش‌های پیرامونی و سپس درونی روسیه می‌رسید و امنیت ملی آن را با امنیت مواجه

می‌ساخت. یک هدف استراتژیک گسترده‌تر برای روسیه در مقابله با گروه‌های بنیادگرا، محدود کردن نفوذ ناتو و ایالات متحده، و کسب شان و پرستیژ بین‌المللی با پر کردن خلأ موجود قدرت در سوریه و جلوگیری از ایجاد رژیم‌های همسو با منافع غرب بود.

مسکو رویکردی واقع‌بینانه در برخورد با چنین موضوعاتی اتخاذ کرد تا منافع خود را هماهنگ نگه دارد. روسیه در ابتدا سوریه را به‌عنوان دارایی برای محیط ژئوپلیتیک خود در خاورمیانه می‌داند، اما تشدید و انباشت رویدادهای پیچیده در منطقه نشان داد که چگونه این دارایی ژئوپلیتیک احتمالاً یک بدهی خطرناک است. مبارزه با داعش که به‌عنوان یک گروه مذهبی مسلح مورد حمایت غرب شناخته می‌شود، یک مبارزه مشروع دانسته شد. این رویکرد، می‌توانست به تضمین امنیت ملی و بازیابی جایگاه جهانی روسیه کمک کند.

۴. قدرت نرم: روسیه و مناقشه رژیم صهیونیستی و فلسطین

مناقشه رژیم صهیونیستی و فلسطین یکی از پایدارترین درگیری‌های جهان است. علی‌رغم تلاش‌های مختلف برای تقویت صلح، هیچ‌یک به حل‌وفصل طولانی‌مدت منتهی نشده است. به گفته آنتونیو گوترش، «دبیرکل سابق سازمان ملل متحد، این درگیری حتی مسئله کلیدی برای صلح پایدار در خاورمیانه است» (Guterres, 2020: 4). بازیگران متعدد، تلاش‌هایی برای میانجی‌گری برای توافق‌های صلح داشته‌اند. یکی از سازمان‌های پیشرو در میانجی‌گری مذاکرات صلح، گروه چهارجانبه خاورمیانه است. جورج دبلیو بوش در یک سخنرانی در ژوئن ۲۰۰۲ برای اولین بار علناً از ایجاد کشور فلسطین حمایت کرد. نقشه راه صلح که از این سخنرانی بیرون آمد، توسط گروه چهارجانبه خاورمیانه که از آن زمان متعهد به ترویج راه‌حل دائمی دو دولتی برای مناقشه است، حمایت شده است (Dangl, 2020: 25). اظهارات چند تن از چهره‌های کلیدی در مناقشه، مانند محمود عباس، رئیس تشکیلات خودگردان، اهمیت این موضوع را بیشتر تقویت می‌کند. وی مدعی شد که «حل‌وفصل مسئله فلسطین بدون مشارکت واقعی روسیه ممکن نیست» (Abbas, 2017: 11)، که افسانه «بازگشت» روسیه به منطقه خاورمیانه را فراهم می‌کند (Lovotti & Talbot, 2019: 7). از این‌رو، بخشی از علاقه روسیه به خاورمیانه از هویت آن به‌عنوان کشوری متعهد به حل‌وفصل مشترک مشکلات نشات می‌گیرد. ساموئل رامانی^۱ (۲۰۲۳)، نویسنده کتاب روسیه در آفریقا، در مصاحبه با شبکه تلویزیونی الجزیره بیان داشته است: «وقتی به تعامل روسیه با

^۱. Samuel Ramani

مسئله فلسطین نگاه می‌شود، این موضوع چیزی فراتر از مسئله فلسطین است. بدین معنا که روسیه به دنبال تحکیم خود در جهان عرب است، با نشان دادن این تصور که آن‌ها از طریق ابزارهای قدرت نرم، با آرمان فلسطین همبستگی دارند، درحالی‌که آمریکایی‌ها از رژیم صهیونیستی حمایت می‌کنند».

از آوریل ۲۰۰۲ به بعد، کرملین شروع به انتقاد علنی از تجاوزات رژیم صهیونیستی در کرانه باختری کرده و بر حقوق فلسطینیان تأکید دارد. از این‌رو، طرح همکاری عربی و اسلامی برای مسکو دوباره اهمیت یافته است (Kreutz, 2007: 17). در سال ۲۰۰۵، تمرکز روسیه بر سیاست خارجی خود در خاورمیانه و روابط آن با فلسطینی‌ها گسترش یافت. پوتین در آغاز سال ۲۰۰۵ به رژیم صهیونیستی و سرزمین‌های فلسطینی سفر کرد. این اولین سفر رسمی یک رهبر روسیه به رژیم صهیونیستی بوده است. پوتین با سفر به اورشلیم و رام الله می‌خواست تعهد کشورش برای دستیابی به یک راه‌حل را تأیید کند و بر نقش مستمر روسیه در روند صلح تأکید کند (Cherif, 2019; 20). در مناقشه اسرائیل و فلسطین، روسیه به تأیید اصول وسیع شناخته شده بین‌المللی منع اشاعه و راه‌حل دو دولتی توجه کرده است.

روسیه پیوسته از عضویت خود در گروه چهارجانبه برای مخالفت با موقعیت مسلط ایالات متحده و «تأکید بر موقعیت تاریخی قدرت بزرگ خود» استفاده کرده است (Dangl, 2020: 27). در نتیجه، موقعیت و علاقه روسیه به گروه چهارجانبه را می‌توان در چارچوب هویت قدرت بزرگ آن نیز درک کرد و هم‌زمان ادعای آن را برای ایفای نقشی ضد هژمونیک نشان داد. از سال ۲۰۱۲، پوتین روابط خود با کشورهای منطقه خاورمیانه همچون ایران را بهبود بخشید، حضور در سوریه را افزایش داد، و تلاش کرد با همه بازیگران منطقه‌ای تعامل داشته باشد (Kozhanov, 2018: 5). با این حال، روسیه همواره روابط خود با رژیم صهیونیستی و فلسطین را حفظ کرده، و تأمین منافع ملی خود را در اولویت قرار داده است. برخلاف ایالات متحده و اتحادیه اروپا، روسیه حماس را به‌عنوان یک سازمان تروریستی در لیست سیاه قرار نداده است، و با آن‌ها به‌عنوان یک نیروی سیاسی مشروع رفتار کرده است. مسکو علاوه بر حمایت از فلسطین، مجبور است کشورهای غربی را به دلیل حمایت از رژیم صهیونیستی نیز مورد انتقاد قرار دهد. روسیه امروز موضعی ضد غربی و در نتیجه ضد رژیم صهیونیستی دارد. به‌عنوان مثال، هنگامی که شورای امنیت سازمان ملل برای بحث در مورد پیشنهادهای بریتانیا و آمریکا [در مورد غزه] تشکیل جلسه می‌دهد، روسیه همیشه از حق وتوی خود استفاده می‌کند که فلسطینی‌ها از آن استقبال می‌کنند. برای کرملین مهم

است که یکبار دیگر نشان دهد در حال ایفای نقش است. روسیه سعی کرده روابط خود با رژیم صهیونیستی را با حمایت از فلسطین متعادل کند (Vorobyov, 2024: 13). اما پس از حوادث ۷ اکتبر سال ۲۰۲۳، روابط بیش‌ازپیش تیره شد. در ماه ژوئیه سال ۲۰۲۴، اسماعیل هنیه، رئیس دفتر سیاسی حماس در تهران ترور شد. وزارت خارجه روسیه به شدت این ترور را محکوم کرد و آن را اقدامی معکوس برای مذاکرات آتش‌بس خواند و طرفین را به خویشتن‌داری دعوت نمود. ماریا زاخارووا، سخنگوی وزارت امور خارجه روسیه بیان داشته است: «چگونه در تمام سالی که عملیات در خاورمیانه آماده می‌شد، ایالات‌متحده با در نظر گرفتن توانایی‌های جامعه اطلاعاتی خود و زیرساخت‌های اطلاعاتی در منطقه، به نزدیک‌ترین متحد خود چیزی نگفت» (Teslova, 2023: 10). در واقع، روسیه نقش آمریکا در تشدید درگیری فلسطین و رژیم صهیونیستی را زیر سؤال برده است. به‌طور مشابه، اصول بشردوستانه را مورد توجه قرار داده است، البته با تفاوت‌هایی که تحت تأثیر منافع ژئوپلیتیک است. اتخاذ این نوع استراتژی‌ها، توانایی روسیه را برای حفظ گفت‌وگو با همه طرف‌های ضروری برای مذاکرات صلح، به‌ویژه در مناقشه رژیم صهیونیستی و فلسطین، ممکن ساخته است (Dangl, 2020: 20).

در مواجهه با بحران ژئوپلیتیکی درگیری رژیم صهیونیستی و حماس، روسیه یک رویکرد انتقادی از خود نشان داده و درعین حال تفاوت‌های استراتژیک را در واکنش خود نشان می‌دهند. روسیه در طول سال‌های اخیر تلاش کرده تا فاصله خود را از رویدادهای خاورمیانه حفظ کند و کانال‌های ارتباطی با همه طرف‌ها را حفظ کند. اما واقعیت جدید به‌ویژه بعد از حوادث ۷ اکتبر که منجر به درگیری‌های گسترده رژیم صهیونیستی و حماس شد، اتخاذ این نوع رویکرد را دشوار کرده است. با این وجود، روسیه نقش قبلی خود به‌عنوان یک عامل میانجی‌گر را همچنان داراست. حتی با وجود اینکه دیگر هیچ گفتگویی بین مسکو و واشنگتن وجود ندارد، مسکو همچنان به تلاش برای گفتگو با قدرت‌های دیگر ادامه می‌دهد. چراکه یک رویارویی کامل می‌تواند منجر به تشدید روابط و ارسال سلاح به اوکراین گردد. بنابراین، روسیه از استراتژی‌ها و سیاست‌های متفاوتی برای دستیابی به اهداف و منافع ملی خود استفاده می‌کند (Pagano, 2017).

در جنگ اتحادها (رقابت اتحاد)، پوتین به‌طور فعال با سیاست ایالات‌متحده در خاورمیانه مخالفت است. به گفته رهبران روسیه، ایالات‌متحده آشفتگی بزرگی در منطقه ایجاد کرده و این وظیفه روسیه است که با استفاده از راهبردهای قدرت هوشمند، آن‌ها را

پاک‌سازی کند. درواقع، کمک نظامی روسیه (قدرت سخت) علیه تروریسم در سوریه را می‌توان به‌عنوان یک اقدام ژئوپلیتیک اوراسیایی تلقی کرد. درعین‌حال، قدرت نرم این کشور را می‌توان به‌عنوان بازیابی نقش و توانایی آن برای حفظ مناطق تحت نفوذ مورد تحلیل قرار داد (Bani Salameh & Mashagbeh, 2018: 1). از این‌رو، روسیه در طول یک دهه اخیر، تلاش کرده تا از ابزارهای قدرت هوشمند (قدرت سخت و نرم) به‌طور هم‌زمان و بسته به شرایط و تحولات رخ داده برای کسب منافع خود استفاده نماید. چنان‌که در مسئله گروه‌های بنیادگرا با کاربرد قدرت نظامی و در مسئله رژیم صهیونیستی و فلسطین با کاربرد قدرت نرم؛ به دنبال پیشبرد منافع ملی و تأمین امنیت خود و ارائه تصویری متعهد از خود برای حل مشکلات منطقه‌ای بوده است.

در مسئله فلسطین، استفاده از رویکرد نظری قدرت هوشمند دامنه وسیع‌تری از تحلیل را نسبت به آنچه نفورنالیسم ارائه می‌دهد، نشان می‌دهد. چراکه مناقشه رژیم صهیونیستی و فلسطین در هویت روسیه ریشه دارد. این مقاله نشان می‌دهد چگونه درک روسیه از هویت و نقش‌هایش در خاورمیانه بر رفتار آن تأثیر گذاشته است. رد نقش میانجی آمریکا توسط فلسطینی‌ها به دلیل انتقال سفارت آمریکا به بیت‌المقدس یا «معامله قرن» دولت ترامپ، فلسطینی‌ها را بر آن داشت تا به سمت روسیه متمایل شوند. این امر درجه نفوذ دیپلماتیک روسیه را افزایش داد، و باعث تقویت بیشتر نقش روسیه در برابر غرب به‌عنوان دیگری مهم و تأثیر مثبت برای برقراری روابط خوب آن با همه بازیگران کلیدی در منطقه گردید. نقش ضد هژمونیک روسیه و تمایل آن به عمل به‌عنوان یک میانجی متعادل‌کننده در مناقشه رژیم صهیونیستی و فلسطین، حاکی از اهمیت هویت و نقش‌های خاصی آن در رفتار مسکو در مناقشه رژیم صهیونیستی و فلسطین است.

نتیجه‌گیری

در سال‌های اخیر، رشد گروه‌های بنیادگرا و تشدید درگیری‌های رژیم صهیونیستی و فلسطین پس از حوادث ۷ اکتبر ۲۰۲۳، پیچیدگی‌های عبور از بحران‌های منطقه‌ای را برجسته کرده است. در این‌بین، اقدامات قدرت‌های جهانی همچون روسیه رویکردهای مختلفی را آشکار می‌کند که گاهی متناقض هستند. این پژوهش سیاست خاورمیانه‌ای روسیه را با توجه به رویکرد نظری قدرت هوشمند تحلیل نمود. آنچه موجب می‌گردد تا همواره، راهبردهای این کشور اهمیت داشته باشد، نقشی است که همواره در این منطقه ایفا

می‌کند. رویکرد نظری ترکیبی مبتنی بر قدرت هوشمند، دامنه وسیع‌تری از تحلیل را نسبت به آنچه صرفاً رویکردهای قدرت سخت همچون نئورئالیسم ارائه می‌دهند، ارائه می‌کند. با چنین رویکردی، می‌توان به این نتیجه رسید که روسیه از ابزارهای قدرت نرم و سخت برای تحقق اهداف خود و کسب جایگاه استفاده نموده است. این نوع برداشت، در رفتار آن‌ها به‌ویژه در برابر گروه‌های بنیادگرا و مناقشه رژیم صهیونیستی و فلسطین قابل مشاهده است. روسیه نقش مهمی در بحران سوریه ایفا کرده است.

همچنین، مسکو تلاش کرده تا به‌عنوان میانجی‌گر در مناقشه رژیم صهیونیستی و فلسطین عمل کند و موضعی متعادل در حمایت از هر دو طرف اتخاذ کند. رسانه‌های محلی و بین‌المللی هویت و نقش‌های خاصی را به رفتار مسکو در مناقشه رژیم صهیونیستی و فلسطین اختصاص داده‌اند. این امر درجه نفوذ دیپلماتیک روسیه را افزایش داده و بر جایگاه برجسته روسیه در خاورمیانه تأکید دارد. در واقع، روسیه از قدرت نرم؛ مانند دیپلماسی مذهبی؛ و قدرت سخت مانند مقابله نظامی با تروریسم استفاده کرده تا منافع ژئوپلیتیکی و امنیتی خود را در منطقه حفظ کند. در نهایت، استراتژی روسیه در خاورمیانه به‌گونه‌ای است که این کشور بتواند هم از لحاظ نظامی و هم فرهنگی به‌عنوان یکی از بازیگران اصلی منطقه حضور داشته باشد و از این موقعیت برای حفظ موقعیت بین‌المللی و ارائه تصویری مثبت از خود و به‌عنوان کشوری متعهد به حل‌وفصل مشکلات جهانی بهره‌برداری کند. در زمینه نیروهای بنیادگرا، روسیه با توجه مبارزه علیه تروریسم تلاش کرده نفوذ خود را در منطقه تقویت کند.

زمینه مناقشه رژیم صهیونیستی و فلسطین، با روش‌های دیپلماتیک و ابزارهای قدرت نرم، تلاش کرده تا بر افزایش اعتماد رهبران کشورهای خاورمیانه تأثیر بگذارد؛ بنابراین، سیاست روسیه در خاورمیانه از طریق ساختارهای اجتماعی مشارکتی با بازیگران منطقه‌ای شکل می‌گیرد که این کشور را قادر می‌سازد نقش متعادل‌کننده‌ای در درگیری‌ها به عهده بگیرد، و هویت‌سازی آن در رفتار سیاست خارجی‌اش در سراسر خاورمیانه منعکس گردد. از منظر ژئوپلیتیک، سیاست‌های روسیه با واقعیت‌های جدید در منطقه همراه بوده و چگونگی برخورد آن‌ها با چالش‌های جاری، ثبات و امنیت خاورمیانه را در بازه زمانی مورد مطالعه شکل داده است. از این‌رو، تعیین اثربخشی استراتژی‌های قدرت هوشمند روسیه می‌تواند به برداشت‌های منطقه‌ای و شناخت توانایی‌های آن کمک نماید. چراکه درحالی‌که استراتژی یک‌جانبه‌تر روسیه اجازه اقدام سریع را می‌داد، اما گاهی به انزوای دیپلماتیک در مورد برخی موضوعات منجر می‌شده است.

یافته‌ها پیامدهای سیاستی برای درک درگیری‌های ژئوپلیتیک مدرن و تلاش‌های ضدتروریسم از سوی قدرت‌های بزرگ دارد. چراکه بررسی قدرت هوشمند می‌تواند به درک دقیق پویایی‌های منطقه و انعطاف‌پذیری جهت انطباق با شرایط به‌سرعت در حال تغییر منطقه کمک نماید. همچنین یافته‌ها بینش‌های ارزشمندی را در مورد پیچیدگی‌های سیاست خارجی به دست می‌دهد، و درک دقیقی از انگیزه‌های زیربنایی تصمیم‌گیری‌ها ارائه می‌دهد و در نتیجه منبعی برای سیاست‌گذاران و محققان است. ضمن این‌که تلاش‌های تحقیقاتی این پژوهش به دامنه اطلاعات در این زمینه افزوده، و نقش عوامل مرتبط با قدرت هوشمند (ترکیب قدرت سخت و نرم) بر تصمیم‌گیری‌های سیاست خارجی را نشان می‌دهد. در نتیجه، این مطالعه با ارائه کاربردهای عملی گفتمان در حال تحول قدرت هوشمند در روابط بین‌الملل، بینش‌های ارزشمندی برای سیاست‌گذاران، دیپلمات‌ها و محققانی که با پیچیدگی‌های چالش‌های جهانی مدرن دست‌وپنجه نرم می‌کنند، ارائه می‌کند. این امر بر نیاز به رویکردی ظریف و انطباقی برای فراقلمی قدرت در جهانی چندقطبی فزاینده تأکید می‌کند، جایی که تعامل بین قدرت سخت و نرم همچنان به شکل دهی به نتایج درگیری‌های بین‌المللی و تعاملات دیپلماتیک ادامه می‌دهد. تحلیل‌های ارائه شده در این پژوهش می‌تواند به روشن شدن درک بهتر از چالش‌های پیش روی این منطقه کمک کند. مطالعات آینده می‌توانند نقش روسیه در خاورمیانه را با تأکید بر مناقشات رژیم صهیونیستی - فلسطین و ساختار اجتماعی که در آن سطح دولتی و بین‌المللی نقش دارند، تحلیل نماید. در جهت مسیرهای تحقیقاتی آینده، تحقیقات بیشتر را می‌توان با گنجاندن سایر منابع اولیه مانند اظهارات رسمی و مصاحبه با نمایندگان رژیم صهیونیستی و فلسطین انجام داد. تحقیقات آینده می‌توانند از بررسی اثرات بلندمدت استراتژی‌های قدرت هوشمند بر ثبات منطقه‌ای و پویایی قدرت جهانی سود ببرند. انجام مطالعات تطبیقی می‌تواند به توسعه یک نظریه جامع‌تر از کاربرد قدرت هوشمند در سناریوهای پیچیده ژئوپلیتیک کمک کند.

منابع و مأخذ

فارسی

- احمدی، حمید (۱۴۰۰)، سیاست و حکومت در خاورمیانه (غرب آسیا) و شمال آفریقا، تهران: نشر نی.
اکبریور آلمه جوقی، علی (۱۴۰۳)، سیاست آمریکا و روسیه در مواجهه با مسئله داعش (۲۰۲۴-۲۰۱۳)، تهران: انتشارات متخصصان.

- جعفری فر، احسان و حبیب اله شیرازی (۱۴۰۰)، سیاست خارجی روسیه در سوریه از منظر قدرت هوشمند، فصلنامه پژوهش‌های بین‌الملل، ۱۱ (۴): ۸۵-۵۷.
- جعفری فر، احسان و حبیب اله شیرازی (۱۴۰۲)، سیاست قدرت هوشمند (نرم و سخت) روسیه در سوریه، با تأکید بر مقابله با ترکیه ۲۰۲۳-۲۰۱۱، مطالعات قدرت نرم، ۱۳ (۴): ۳۴-۹.
- جعفری، علی‌اکبر و جواد شفقت‌نیا (۱۴۰۱)، عوامل مؤثر بر تصمیم‌سازی روسیه نسبت به رژیم صهیونیستی، مطالعات اوراسیای مرکزی، ۱۵ (۱): ۵۱-۲۷.
- سهرابی، محمد (۱۳۹۳)، سیاست خارجی روسیه در خاورمیانه، مطالعات روابط بین‌الملل، ۷ (۲۵): ۱۴۴-۱۱۳.
- کوشکی، محمدصادق؛ و طاهری بزی، ابراهیم (۱۳۹۴)، حضور روسیه در خاورمیانه در دوره پوتین (احیای نفوذ روسیه در کشورهای زیر نفوذ اتحاد شوروی)، مطالعات اوراسیای مرکزی، ۸ (۱): ۶۲-۴۳.
- کولایی، الهه؛ و نوری، علیرضا (۱۳۸۹)، عمل‌گرایی پوتین و تغییر در رویکردهای سیاست خارجی روسیه، فصلنامه سیاست، ۴۰ (۲): ۲۲۸-۲۰۹.
- کیانی، داود (۱۳۸۶)، سیاست روسیه در خاورمیانه: محورها و محرک‌ها، راهبرد، ۱ (۴۷): ۳۸۰-۳۶۷.
- مروتی، لیلا؛ قربانی شیخ‌نشین، ارسلان؛ و منوری، سیدعلی (۱۴۰۱)، روند مواجهه آمریکا و روسیه با تروریسم؛ از تقابل تعامل، سیاست جهانی، ۱۱ (۴): ۲۸۸-۲۵۹.
- هدایتی شهیدانی، مهدی (۱۳۹۸)، درک قدرت هوشمند در روندهای سیاست خارجی روسیه (۲۰۱۴-۲۰۱۹)، مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، ۲۵ (۱۰۷): ۱۸۸-۱۵۹.
- واحدپور، سید نورالدین؛ محسن دیانت و سهیل سهیلی نجف‌آبادی (۱۴۰۰)، بررسی راهبرد سیاست خارجی روسیه در منطقه ژئوپلیتیک خاورمیانه در پرتو گسترش افراط‌گرایی دینی در قرن ۲۱، فصلنامه جغرافیا و برنامه‌ریزی منطقه‌ای، ۱۱ (۴۵): ۷۲۲-۶۸۵.

لاتین

- Al Arabiya. (2013, August 21). Syrian Opposition: 1300 killed in chemical attack on Ghouta region. **Al Arabiya English**. <http://english.alarabiya.net/en/News/middle-east/2013/08/21/Syrian-activists-at-least-500-killed-in-chemical-attack-on-EasternGhouta.html>
- Allison, R. (2013). Russia and Syria: Explaining Alignment with a Regime in Crisis. **International Affairs**, 89(4), 795–823.
- Alqedra, A. (2022). Russian Foreign Policy Towards the GCC. **Körfez İşbirliği Konseyi'ne Yönelik Rus Dış Politikası** [Russian Foreign Policy Towards the GCC], 6(1), 40–72.
- Aluwaisheg, A. (2014, February 24). GCC-Russia Dialogue and the Lost Opportunities. **The Arab News**. <http://www.arabnews.com/news/530266>
- Arı, T. (2013). Uluslararası ilişkiler teorileri: Çatışma, hegemonya, işbirliği [International relations theories: Conflict, hegemony, cooperation]. **MKM Yayıncılık**.

- Attias, S. (2019, July 26). Russian Soft Power in the Middle East. BESA Center Perspectives Paper, 1,238. **Begin-Sadat Center for Strategic Studies**. [URL needed if accessed online]
- Bani Salameh, M. T., & Mashagbeh, A. A. (2018). The American Russian Rivalry in the Middle East. **National Defense College**.
- Batyuk, V. I., & Morozov, Y. V. (2022). Politics and Strategy of the United States, the Russian Federation, and China in the Middle East. **Herald of the Russian Academy of Sciences**, 92(4), 321–330.
- BBC News. (2019, October 27). Abu Bakr al-Baghdadi is dead [Video]. **BBC News**. <https://www.bbc.com/news/av/world-50200383>
- Berger, M. (2019, October 14). Here's what we know about the ISIS prisons controlled by the Syrian Kurds. **The Washington Post**. <https://www.washingtonpost.com/world/2019/10/12/inside-isis-prisons-controlled-by-syrian-kurds/>
- Borshchevskaya, A. L. (2021). Russia's soft power projection in the Middle East. **Military Review**, 101(?). [Volume/Issue number 1(14) from original source is unusual; verify if possible], 32–45.
- Cherif, Y. (2019). The interest of Putin's Russia in the MENA region in historical perspective. In V. Talbot & C. Lovotti (Eds.), **The role of Russia in the Middle East and North Africa region: Strategy or opportunism?** [Page numbers needed]. European Institute of the Mediterranean.
- Cohen, R. S. (2017). Lessons from Israel's wars in Gaza (Report No RB-9975). **RAND Corporation**. <https://doi.org/10.7249/RB9975>
- CSIS Commission on Smart Power. (2007). A smarter, more secure America. Center for Strategic and International Studies.
- Dal-Emre Erşen, E. P. (2020). Russia and the changing international system: An introduction. In E. P. Dal & E. Erşen (Eds.), **Russia in the changing international system** [Page numbers needed]. Palgrave Macmillan.
- Dangl, B. (2020). **How identity and role influence Russian foreign policy behavior in the Middle East: A focus on the Israel-Palestinian conflict** [Unpublished master's thesis]. [Name of Granting University Needed].
- Dannreuther, R. (2018). Understanding Russia's return to the Middle East. **International Politics**, 56(6), 726–742.
- Del Sarto, R. A., & Sanchez i Lecha, E. (2024). **Regionalism and alliances in the Middle East, 2011-2021: From a "flash in the pan" of regional cooperation to liquid alliances**. Geopolitics, Advanced online publication. [Volume/Issue 13(5) from original seems unlikely for 2024; check source for correct citation, potentially use DOI if available]. 1–24. <https://doi.org/> [DOI needed]
- El-Rafie, A. H. I. (2023, November Russia and NATO 22). **The impact of international competition between on the balance of power in the Middle East**. SSRN. https://papers.ssrn.com/sol3/papers.cfm?abstract_id=4641096
- Erdil, E. (2022). Use of smart power as an instrument of public diplomacy. **Journal of International Crisis and Policy Research**, 6(1), 247–270.
- Farias, I. H. (2020). An introduction to Middle East politics. **Contexto internacional**, 42(3), 1–5.
- Frear, M., & Mazepus, H. (2021). Security, civilisation and modernisation: Continuity and change in the Russian foreign policy discourse. **Europe-Asia Studies**, 73(7), 1215–1235.

- Friedman, B. (2015). Putin's Russia in the Middle East [Review of the book *Putin's New Order in the Middle East*, by T. Nizameddin]. **Bustan: The Middle East Book Review**, 6(1-2), 92–119.
- German, M., & Tan, T. (2021). Understanding Russian and Turkish state-national interests in the Syrian conflict through the neo-realism paradigm. **Open Journal of Political Science**, 11(?). [Issue number 21 from original seems unlikely; verify if possible], 706–720.
- Guterres, A. (2020, February 4). Secretary-General's remarks at Committee on Exercise of the Inalienable Rights of the Palestinian People [Speech transcript]. **United Nations Secretary-General**.
<https://www.un.org/sg/en/content/sg/statement/2020-02-04/secretary-generals-remarks-committeeexercise-of-the-inalienable-rights-of-the-palestinian-people-delivered>
- Houghton, K. A., & Houghton, B. (2023). **Great power competition and the Middle East**. Routledge.
- International Center for the Study of Violent Extremism. (2019, October 10). **Fake news and the Trump betrayal of our Kurdish allies**.
<https://www.icsve.org/fake-news-and-the-trump-betrayal-of-our-kurdish-allies/>
- Issaev, L., & Shishkina, A. (2020). Russia in the Middle East: In search of its place. In W. Muhlberger & T. Alaranta (Eds.), **Political narratives in the Middle East and North Africa** (pp. 95–144). [Publisher Name Needed].
- Kadri, H., & Akhmetova, E. (2020). When politics allied with religion: Russia's new strategy to dominate the Middle East under the pretext of fighting terrorism. **Open Journal of Political Science**, 10(2), 185–203.
- Kalajia, W. (2016). **Eurasian Russia under President Vladimir Putin**. Arab House of Science Publishers.
- Katz, M. N. (2016). Russian intervention in the Syrian Civil War. **Russian Analytical Digest**, No. 190, 2–5.
- Klimentyev, M. (2017). **Putin's proposal to create united front against terrorism gains more supporters** [Press release]. [Issuing Organization Needed].
- Kozhanov, N. (2018). **Russian policy across the Middle East: Motivations and methods**. Chatham House.
- Kreutz, A. (2007). *Russia in the Middle East: Friend or foe?* Praeger Security International.
- Lambert, M. E. (2016). Russian smart power at work in the Eastern Partnership. **Fellowship Policy Papers**, 5(2), 1–16.
- Liu, F. (2022). Russia's foreign policy over the past three decades: Change and continuity. **Chinese Journal of Slavic Studies**, 2(1), p. 13. [Confirm if single page or range]
- Lovotti, C., & Talbot, V. (2019). Foreword: The role of Russia in the Middle East and North Africa region: Strategy or opportunism? In V. Talbot & C. Lovotti (Eds.), **The role of Russia in the Middle East and North Africa region: Strategy or opportunism?** [Page numbers needed]. European Institute of the Mediterranean.
- Maloney, S. (2014, March 25). **Three reasons why Russia won't wreck the Iran nuclear negotiations**. **Markaz Blog**. **Brookings Institution**.
<http://www.brookings.edu/blogs/markaz/posts/2014/03/22-russia-us-tension-sabotage-iran-nuclear-deal>

- Marks, S. (2019). **Diplomacy**. In *Encyclopædia Britannica*. Retrieved June 21, 2024, from <https://www.britannica.com/topic/diplomacy> [Update retrieval date if necessary; URL needs verification]
- Mazrui, A. (1975). Black Africa and the Arabs. *Foreign Affairs*, 53(4), 725–742.
- Michnik, W. (2021). Great power rivalry in the Middle East. **ResearchGate**. <https://doi.org/10.13140/RG.2.2.10072.21760>
- Mutiara Bahari, D., & Sahide, A. (2022). The comparison of the United States foreign policy against the Islamic world under President Barack Obama and President Donald Trump administration. **Journal of Islamic World and Politics**, 6(2), 270–297.
- NBC News. (2015, July 16). **Obama thanks Putin for Russia's role in Iran nuclear deal**. <http://www.nbcnews.com/storyline/irannuclear-talks/obama-thanks-putin-russias-role-iran-nuclear-deal-n392976>
- Nossel, S. (2004). Smart power. **Foreign Affairs**, 83(2), 131–142.
- Nye, J. S., Jr. (2023). State smart power strategies. In [Editors Needed] (Eds.), **Soft power and great-power competition: China and globalization** (China and Globalization series). Springer.
- Pagano, S. (2017, June). US and Russia interests in Middle East. **Strategic Multilayer Assessment (SMA)**. <https://nsiteam.com/sma-reachback-us-and-russia-interests-in-middle-east/>
- Ramani, S. (2023). **Russia in Africa: Resurgent great power or bellicose pretender?** Oxford University Press.
- RBC. (2016, April 14). **Putin nazval Obamu “poryadochnym chelovekom” za priznaniye oshibok v Livii** [Putin called Obama an ‘honest man’ for the recognition of the [US] mistakes in Libya]. RBC. <https://www.rbc.ru/politics/14/04/2016/570f957c9a79476cf67e7b3c>
- RIA Novosti. (2015, January 26). **Lavrov: Yadernaya programma Irana ne dolzhna predstavlyat ugrozy regionu** [Lavrov: Iran's nuclear programme should not present a threat to the region]. RIA Novosti. <http://ria.ru/world/20150126/1044312782>.
- Sari, B., & Erkam Sula, E. (2014, March 26-29). An analysis on the concept of smart power: Its application on Turkish foreign policy [Paper presentation]. **ISA Annual Convention**, Toronto, ON, Canada.
- Schuman, R. (2022). **Coming up through the cracks: The Islamic State's resurgence in Syria and Iraq**. Centre for Advanced Studies, 2(6), 1–14. [Publisher/Institution info needed]
- Selján, P. (2024). **The 7 October Hamas attack. Academic and Applied Research in Military and Public Management Science**, 23(1), 81–98.
- Shin, H., Murakami, S., & Lewis, S. (2020, November 12). Biden reassures U.S. allies in calls with leaders of Japan, South Korea, **Australia**. **Reuters**. <https://www.reuters.com/article/usa-election-asia-allies/bidenreassures-u-s-allies-in-calls-with-leaders-of-japan-south-korea-australia-idUSKBN27S0EV>
- Sim, L. C. (2018). Russia's return to the Gulf. In [Editors needed] (Eds.), **External powers and the Gulf monarchies** (pp. 36–55). Routledge. [Publisher assumed, verify if possible]
- Sokolshchik, L. M. (2023). Year one of the Biden administration: U.S. foreign policy towards Russia. **Journal of Eurasian Studies**, 15(1), 56–73.

- Tahhan, Z., & Humaid, M. (2022, December 26). **Six major developments that shaped 2022 for Palestinians.** Al Jazeera. <https://www.aljazeera.com/news/2022/12/26/six-major-developments-that-shaped-2022-for-palestinians>
- Teslova, E. (2023, October 10). **Russia questions US role in Palestinian-Israeli conflict escalation.** Anadolu Agency. <https://www.aa.com.tr/en/middle-east/russia-questions-us-role-in-palestinian-israeli-conflict-escalation/3014533>
- Trenin, D. (2016, April 5). **Russia in the Middle East: Moscow's objectives, priorities, and policy drivers.** Carnegie Moscow Center. <https://carnegiemoscow.org/2016/04/05/russia-in-middle-east-moscow-s-objectives-priorities-and-policy-drivers-pub-63244> [Note: Original list date was 2021, but source URL suggests 2016]
- UN Office for the Coordination of Humanitarian Affairs. (2024, June 19). **Reported impact snapshot: Gaza Strip, 19 June.** <https://www.ochaopt.org/content/reported-impact-snapshot-gaza-strip-19-june-2024>
- Vorobyov, N. (2024, August 13). **What's behind Russia's 'soft power' moves on Israel-Palestine? Al Jazeera.** <https://www.aljazeera.com/news/2024/8/13/whats-behind-russias-soft-power-moves-on-israel-palestine>
- Wagner, J.-P. (2014, May 14). **The effectiveness of soft and hard power in contemporary international relations. E-International Relations.** <https://www.e-ir.info/2014/05/14/the-effectiveness-of-soft-hard-power-in-contemporary-international-relations/> [Note: Original list date was 2021, but source URL suggests 2014]
- Wargas, R. (2015, December 11). Vladimir Putin's holy war. **Catholic Herald.** <http://www.catholicherald.co.uk/issues/december-11th-2015/vladimir-putins-holy-war>
- Zviagelskaya, I. D. (Ed.). (2020). **Politika i identichnost'** [The Middle East: Politics and Identity]. Aspect Press. [Note: Assumes Zviagelskaya is editor of the whole work, not author of a chapter titled Vostok, B.].